

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

عرض کردیم که دلیل مرحوم شیخ برای عدم مشروعیت احتیاط در تعبدیات در موردی که مستلزم تکرار است و در فرض تمکن از امتثال تفصیلی، صحیح نیست؛ توجیهی هم که برای کلام شیخ شد، غیر وارد است؛ و بالجمله، احتیاط هرچند که مستلزم تکرار باشد، با عبادیت عمل منافات ندارد و مکلف می تواند قصد قربت کند، هر کدام از اعمال را به داعی احتمال امر واقعی انجام دهد.

## دلیل مرحوم نائینی بر کافی نبودن احتیاط در جایی که مستلزم تکرار بوده و امتثال تفصیلی نیز ممکن است

دلیل سومی نیز در کلمات مرحوم نائینی برای این مطلب وجود دارد؛ که ایشان اصرار زیادی بر این قاعده دارند؛ و آن این که عقل مستقلاً حکم می کند به این که انبعاث باید از بعث یقینی باشد و بعث احتمالی برای تحقق امتثال کافی نیست؛ در فرضی که بعث یقینی محرز است، باید امتثال ناشی از همین بعث یقینی باشد؛ بنابراین، انبعاث ناشی از بعث احتمالی عقلاً مردود است و عقل آن را کافی نمی داند. ایشان به عنوان نتیجه می فرماید: امتثال ناشی از بعث احتمالی، امتثال احتمالی می شود که در طول امتثال یقینی است؛ و این يك حکم عقلی مستقل است؛ یعنی جایی که امتثال یقینی محقق و ممکن نیست، نوبت به امتثال احتمالی میرسد. بنابراین، در مانحن فیه که مکلف می خواهد احتیاط کند، چون فرض این است که تمکن از امتثال تفصیلی دارد، دیگر عقلاً نوبت به امتثال احتمالی - یعنی احتیاط - نمی رسد.

## اشکالات مرحوم آقای خوئی بر دلیل مرحوم نائینی

مرحوم آقای خوئی (قدس سره) در کتاب مصباح الاصول دو اشکال بر کلام استادشان وارد کرده و در نتیجه، این کبری که بگوییم انبعاث باید ناشی از بعث یقینی باشد و امتثال احتمالی در طول امتثال تفصیلی است را منکر شده اند.

اشکال اول این است که ما وقتی به عقل مراجعه می کنیم، عقل فقط يك حکم دارد؛ و آن عبارت است از: العقل لا يحكم الا بلزوم الاطاعة، عقل می گوید وقتی مولا امر یا نهی صادر کرد، آنچه که برای مکلف لازم است، اطاعت مولا است؛ و غیر از این حکمی ندارد. حال، باید دید در تحقق و صدق اطاعت چه چیزی معتبر است؟ ایشان می فرمایند: در صدق و تحقق اطاعت همین که عمل را در عالم خارج منتسباً الی المولا و مضافاً الی المولا انجام دهیم، می شود اطاعت مولا. همین اندازه که مکلف عمل

خویش را به جهت امتثال امر مولا انجام دهد، کفایت می‌کند؛ و نیازی نیست که بگوئیم انبعاث باید ناشی از بعث یقینی هم باشد؛ ما وقتی به عقل مراجعه می‌کنیم، عقل چنین چیزی را معتبر نمی‌داند؛ و فقط می‌گوید اطاعت مولا لازم است. بنابراین، به مرحوم نائینی می‌فرماید: شما از کجا چنین شرطی را آورده اید که عقل می‌گوید انبعاث باید ناشی از بعث یقینی باشد؛ علاوه آن که اگر شک کنیم که آیا عقل چنین شرطی را دارد یا نه؛ اصل بر براءت است؛ مثل سایر اجزا و شرایط که وقتی شک می‌کنیم در یک واجبی آیا جزء یا شرطی در آن جزئیت یا شرطیت دارد یا ندارد و دلیلی برایش نداشته باشیم، اصالة البرائة جاری می‌شود.

### نظر استاد محترم در مورد جواب اول:

این جواب اول مرحوم آقای خوئی (قدس سره)، که ما نیز قبلاً نظیر این را عرض کرده بودیم، و جواب متینی است؛ یعنی ما وقتی به عقل که حام در باب اطاعت و عصیان - امتثال و مخالفت - است، مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که عقل چنین چیزی را معتبر نمی‌داند.

### جواب دوم:

مرحوم آقای خوئی (قدس سره) می‌فرماید: بر فرض که این کبری را بپذیریم و بگوئیم تا زمانی که انبعاث از بعث یقینی ممکن است، نوبت به انبعاث از بعث احتمالی نمی‌رسد؛ اما اشکال این است که این کبری بر مانحن فیه منطبق نیست. زیرا، در اینجا وقتی احتیاط می‌کنیم، انبعاث ناشی از بعث یقینی است و نه بعث احتمالی؛ برای اینکه ما می‌دانیم در اینجا يك امر یقینی - امر واقعی - وجود دارد، منتها نمی‌دانیم که آیا این امر به نماز جمعه تعلق پیدا کرده یا به نماز ظهر؛ حال، اگر امتثال کردیم به داعی تکلیفی که اصل آن تکلیف یقینی است، در اینجا انبعاث ناشی از بعث یقینی می‌شود. در نتیجه، مرحوم آقای خوئی (قدس سره) می‌فرمایند: استاد ما مرحوم نائینی (قدس سره) بین امتثال اجمالی و امتثال احتمالی خلط کرده اند - البته تعبیر «خلط» از بنده است -؛ آنچه که در مانحن فیه وجود دارد، امتثال اجمالی است و نه امتثال احتمالی. لذا، می‌فرماید: بر فرض که کبری را قبول کنیم، اما این قانون در مانحن فیه انطباق ندارد.

نظر استاد محترم در مورد پاسخ دوم: جواب دوم ایشان به نظر ما مخدوش است؛ و قبلاً هم نظیرش را داشتیم. خود مرحوم نائینی در اوائل بحث علم اجمالی می‌فرمودند که در علم اجمالی اصل تکلیف برای ما تفصیلاً معلوم است اما متعلق تکلیف اجمالاً معلوم است؛ فرمودند: می‌دانیم یک حکم وجوبی در اینجا وجود دارد، اما نمی‌دانیم که این وجوب، به نماز جمعه تعلق پیدا کرده یا به نماز ظهر؛ و ما همانجا در این فرمایش محقق نائینی مناقشه کردیم که ما اصلاً نمی‌توانیم بین اصل تکلیف و متعلق تکلیف انفکاک ایجاد کنیم؛ نمی‌توان گفت که علم تفصیلی به وجوب کلی هست؛ وجوب کلی تا زمانی که متعلق معین نباشد، ارزشی ندارد؛ و نتیجه گرفتیم که حتی نسبت به اصل تکلیف هم نمی‌توانیم بگوئیم که علم داریم، لا تفصیلاً و لا اجمالاً.

بعد هم دیدیم که مرحوم محقق عراقی **اعلی الله مقامه الشریف** نیز در حاشیه بر فوائد مرحوم نائینی همین اشکال را به مرحوم نائینی کرده‌اند. در اینجا بگوئیم خود مرحوم نائینی قبلاً چنین مطلبی را فرموده است و اگر ملاک، اصل تکلیف باشد، نسبت به اصل تکلیف، دیگر اجمال وجود ندارد. مرحوم آقای خوئی فرمودند: ما به استادمان عرض می‌کنیم در مانحن فیه انبعاث ناشی از بعث یقینی اجمالی است و نه بعث احتمالی. می‌گویید: چرا؟ می‌فرمایند: برای اینکه اصل تکلیف معلوم است و ما می‌دانیم که در اینجا تکلیفی وجود دارد، ولی متعلق تکلیف برای ما روشن نیست.

اشکال کلام ایشان این است که اگر اصل تکلیف برای شما معلوم است، و بخواهیم این بیان را در اینجا پیاده کنیم - که مرحوم آقای خوئی همان کلام را دارد اینجا پیاده می‌کند - باید نتیجه بگیریم که انبعاث نه تنها ناشی از بعث یقینی است، بلکه بعث، بعث یقینی تفصیلی هم هست؛ و نه بعث یقینی اجمالی؛ چون نسبت به اصل تکلیف یقین تفصیلی داریم. بنابراین، این اشکال بر مرحوم آقای خوئی وارد است؛ و بر اساس مبنایی که ما اختیار کردیم مبنی بر آن که در مقام امتثال اصلاً نمی‌توان بین اصل تکلیف و متعلق تکلیف جدایی انداخت، به مرحوم آقای خوئی عرض می‌کنیم: کسی که نماز ظهر می‌خواند به احتمال امر آن را می‌آورد یا

به امر یقینی؟ به امر احتمالی می‌آورد؛ نمی‌داند نماز ظهر واجب است یا نه؟ نماز جمعه را هم که می‌خواهد بیاورد، امتثال احتمالی است.

این را دقت کنید؛ لازمه فرمایش مرحوم آقای خوئی این است که بگوییم کسی که الآن نماز ظهر تنها را خواند، **امثالاً** یقیناً **اجمالیاً**، امتثال یقینی از کجا آمد؟! خیر، در حین عمل، هر کدام را که انجام دهد، امتثال احتمالی است. مرحوم نائینی نیز همین را می‌خواهند بفرمایند؛ می‌خواهند بفرمایند در حین عمل، که عمل را انجام می‌دهیم، امتثال، امتثال احتمالی است؛ در حالی که عقل می‌گوید در حین عمل، اگر می‌توانی امتثال ناشی از بعث یقینی داشته باشی، باید آن امتثال را انجام دهی. مرحوم آقای خوئی در ادامه این مطلب و بعد از اشکال به مرحوم نائینی، می‌فرماید: **نعم، لو كان المكلف قاصداً للاتیان ببعض الاحتمالات فقط كان انبعائه عن احتمال التكليف، در این استدراك، همان اشکالی که ما داریم را مطرح می‌کند، منتها ایشان نسبت به بعضی محتملات آن را بیان می‌کنند؛ می‌فرمایند کسی که فقط نماز جمعه را بخواند، یا فقط نماز ظهر را بخواند، بعضی از محتملات را اگر فقط بیاورد، امتتالش ناشی از امر احتمالی است و می‌شود امتثال احتمالی.**

عرض ما در مقابل ایشان این است که چرا چنین می‌گوئید؟ اگر محتمل دیگر را هم بیاورد، آنهم در حین عمل، امتثال احتمالی است؛ در هر زمانی که دارد هر کدام را انجام می‌دهد، امتثال احتمالی است؛ بعد که دو تا امتثال‌ها تمام شد، این امتثال احتمالی انقلاب به یقینی پیدا نمی‌کند؛ چرا که می‌گوید من علم اجمالی دارم یکی از این دو امتثال احتمالی من با مأموریه مطابقت دارد. نتیجه آن که در مورد اشکال دوم آقای خوئی، در مقام دفاع از مرحوم نائینی عرض می‌کنیم: امتثال در مانحن فیه احتمالی است؛ شما وقتی نماز جمعه را می‌خوانید، امتثال احتمالی است؛ وقتی نماز ظهر را هم خواندید، امتثال احتمالی است؛ هر دو که تمام شد، می‌گویید یقین دارم که یکی از این دو امتثال احتمالی مطابق با واقع است؛ اما بعد از اتمام، امتثال احتمالی به امتثال یقینی انقلاب پیدا نمی‌کند.

توجه داشته باشید که ما داریم دفاع می‌کنیم، اما اصل کبری را قبول نداریم و همان جواب اول مرحوم آقای خوئی جواب متینی است. مرحوم آقای خوئی در دنباله کلامشان دو سه نکته دارند که به نظر من بعضی از این نکات با بعضی دیگر قابل جمع نیست، و بین اینها يك تهافت و تناقض وجود دارد که به ذهن ما رسیده است و خودتان می‌توانید متوجه شوید.

## نتیجه بحث

نتیجه مباحث تا اینجا این می‌شود که در تعبدیات - چه مستلزم تکرار باشد و چه نباشد - احتیاط مانعی ندارد. مطلب بعد این است که اگر امتثال ظنی ممکن است، آیا با امکان امتثال ظنی می‌توان سراغ امتثال احتمالی رفت یا نه؟ ظن هم یا ظن خاص است که از ظنون معتبره است و در این صورت، همان حکم علم را دارد؛ یعنی همان مطالبی که در امتثال یقینی گفتیم در اینجا نیز مطرح می‌شود؛ و یا ظن، ظن مطلق است که همان ظن انسدادی است. این صورت را خود آقایان مراجعه و مطالعه کنند؛ و اگر ما بخواهیم بحث کنیم، شاید يك جلسه دیگر لازم باشد؛ و از آنجا که فردا فاطمیه است، مناسب نیست که بحثی را داشته باشیم؛ البته دوست داشتم که مقداری راجع به فاطمیه صحبت کنم، اما مجالی نشد. بحث ما در مباحث قطع تمام شد؛ و انشاءالله اگر زنده بودیم، سال آینده از اول مباحث ظن که مباحث بسیار مهمی هم هست، در همین ساعت، مباحث را شروع خواهیم کرد.